**( نح ) درجه ادراکات عالم انسانی و مظاهر ظهور**

**سؤال**

ادراکات عالم انسانی تا بچه درجه است و بچه حدّی محدود توان کرد ؟

**جواب**

بدانکه ادراکات مختلف است ادنی رتبه ادراکات احساسات حيوانيست يعنی حسّيّات طبيعيّه که بقوای حوّاس ظاهر است و آن حسّيّات گفته ميشود و در اين ادراک انسان و حيوان مشترکند بلکه بعضی از حيوانات اقوی‌اند از انسان . و امّا در عالم انسانی باختلافات مراتب انسانی ادراکات متنوّع و متفاوتست در رتبه اوّليّه در عالم طبيعت ادراکات نفس ناطقه است و در اين ادراکات و در اين قوّه جميع بشر مشترکند خواه غافل خواه هشيار خواه مؤمن خواه گمراه و اين نفس ناطقه انسانی در ايجاد الهی محيط و ممتاز از سائر کائناتست و چون اشرف و ممتاز است لهذا محيط بر اشياست . از قوّه نفس ناطقه ممکن که حقايق اشيا را کشف نمايد و خواصّ کائناترا ادراک کند و باسرار موجودات پی برد اين فنون و معارف و صنايع و بدايع و تأسيسات و اکتشافات و مشروعات کلّ از ادراکات نفس ناطقه حاصل و در زمانی سرّ مصون و راز مکنون و غير معلوم بوده و نفس ناطقه بتدريج کشف کرده و از حيّز غيب و خفا بحيّز شهود آورده و اين اعظم قوّه ادراک در عالم طبيعت است و نهايت جولان و طيرانش اينست که حقايق و خواصّ و آثار موجودات امکانيّه را ادراک نمايد . امّا عقل کلّی الهی که ماوراء طبيعت است آن فيض قوّه قديمه است و عقل کلّی الهيست محيط بر حقائق کونيّه و مقتبس از انوار و اسرار الهيّه است آن قوّه عالمه است نه قوّه متجسّسه متحسّسه . قوای معنويّه عالم طبيعت قوای متجسّسه است از تجسّس پی بحقائق کائنات و خواصّ موجودات برد امّا قوّه عاقله ملکوتيّه که ما وراء طبيعت است محيط بر اشياست و عالم اشيا و مدرک اشيا و مطّلع بر اسرار و حقايق و معانی الهيّه و کاشف حقايق خفيّه ملکوتيّه و اين قوّه عقليّه الهيّه مخصوص بمظاهر مقدّسه و مطالع نبوّت است و پرتوی ازين انوار بر مرايای قلوب ابرار زند که نصيب و بهره ای ازين قوّه بواسطه مظاهر مقدّسه برند . و مظاهر مقدّسه را سه مقامست يک مقام جسدی و يک مقام نفس ناطقه و يک مقام مظهريّت کامله جلوه ربّانی . امّا جسد ادراک اشيا نمايد بقدر استطاعت عالم جسمانی لهذا در بعضی از مواقع اظهار عجز نمودند مثلاً خواب بودم و بی خبر نسمة اللّه بر من گذر نمود و مرا بيدار کرد و امر بندا نمود و يا آنکه حضرت مسيح در سنّ سی سال تعميد شد و روح القدس حلول نمود و پيش ازين روح القدس در مسيح ظاهر نبود جميع اين امور راجع بمقام جسدی ايشانست . امّا مقام ملکوتی ايشان محيط بر جميع اشياست و واقف بر جميع اسرار و عالم بر جميع آثار و حاکم بر جميع اشيا پيش از بعثت بعد از بعثت جميع يکسانست اينست که ميفرمايد منم الف و ياء ، اوّل و آخر تغيير و تبديلی از برای من نبوده و نخواهد بود .